

مدرسه علمیه فاطمه معصومه سلام الله علیها اهواز تقدیم می کند:

بیان واقعه شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها از دیدگاه اهل سنت

پیشگفتار

چندی است که در بعضی مجامع فرهنگی مطرح شده است که شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها افسانه بوده و چنین واقعه ای رخ نداده و این داستانی است دروغین که توسط شیعه و از روی بغض خلفاء سه گانه ساخته شده است. به این امید که این شبهه واهی بی اساس تبدیل به ضربه ای جبران ناپذیر به اعتقادات جامعه ما تبدیل نشود در جزوه حاضر، حادثه شهادت حضرت زهرا علیه السلام از دیدگاه کتب و روایات خود اهل سنت بررسی می شود. البته چنان که می دانید این فاجعه از نظر شیعه و طبق روایاتی که از شیعه رسیده است بسیار دردناکتر و جانسوزتر از آنی است که در این جزوه آمده ولی چون بنای این جزوه فقط بیان حادثه نیست بلکه هدف آن اثبات حادثه است، فقط به روایات خود اهل سنت در مورد جزئیات حادثه بسنده شده است و الا هیچ قلمی توان بیان داستان واقعی شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را ندارد. برای رعایت اختصار و به دلیل کثرت روایات اهل سنت در این باب، برای هر موضوع یک یا دو روایت گویا انتخاب شده و بقیه به مراجع و منابع دیگر ارجاع داده شده است که در آن منابع همان عبارت و یا عبارتی شبیه آن و با همان مضمون آمده است.

انشاء الله که خداوند همه ما را محب و معتقد و مطیع حضرات اهل بیت علیه السلام قرار دهد.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. تهدید خلیفه دوم به آتش زدن خانه فاطمه سلام الله علیها

ابتدای ماجرای شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها به زمان حیات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بر می گردد که در حوصله این مقال نمی گنجد. ما نیز برای حفظ اختصار قصه را از دستور خلیفه اول (ابابکر) به خلیفه دوم (عمر) برای اخذ بیعت از علی علیه السلام و خانواده اش شروع می کنیم که در آن اجازه و دستور اهانت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشهود است:

- ثم ان ابابكر بعث عمر بن الخطاب الى على و من معه ليخرجهم من بيت فاطمه رضی الله عنها، و قال «ان ابوا عليك، فقاتلهم». (منايع: قال المختصر في اخبار البشر، عماد الدين ابوالفداء (٧٢٢ق)، چاپ بيروت، ج ١ ص ١٥٦، چاپ القاهرة، مكتبة المبتنى، القاهرة مكتبة المبتنى ص ١٦٥؛ عقد الفريد، احمد بن محمد بن عبد ربه، ج ٥، ص ١٣، انتشارات دارالكتب العلميه، چاپ بيروت.)

ابابكر عمر بن خطاب را به سوى على و همراهانش فرستاد تا از خانه فاطمه آنها را خارج كند و به او گفت: اگر از دستور تو سرباز زدند ایشان را بكش! اما خليفه دوم هم در اين امر قبيح كاملاً از ابابكر اطاعت كرد ولى جالب است بدانيد كه چه تصميمى گرفت!

- بنگريد:

جاء عمر الى بيت فاطمه سلام الله عليها فى رجال من الانصار و نفر قليل من المهاجرين فقال: والذى نفسى بيده لتخرجن الى البيعه او لاحرقن البيت عليكم. (منايع: شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد شافعى، ج ٦، ص ٤٧، ٢٠ جلد در ١٠ مجلد، انتشارات كتابخانه اى آيت... مرعشى، قم: ١٤٠٤ق؛ السقيفه و الفدك، جوهرى، ابوبكر، ص ٥٠)

عمر به همراه تعدادى از انصار و اندكى از مهاجرين به خانه فاطمه آمد و گفت: قسم به آنكه جانم به دست اوست يا براى بيعت خارج مى شويد و يا خانه را بر سر شما مى سوزانم و آتش مى زنم!

- قدما (عمر) بالخطب و قال و الذى نفس عمر بيده لتخرجن او لاحرقنها على من فيها فقيل له: يا ابا الحفص: ان فيها فاطمه! فقال: و ان... (منايع: ١. اعلام النساء، عمر رضا كحاله، ج ٤، ص ١١٤ و ١١٥، بيروت چاپ پنجم؛ ٢. السقيفه و الفدك، ابوالفتاح عبدالامقعود، ص ١٤؛ ٣. المصنف، ابن ابى شيبه، ج ٧، ص ٤٢٢، بيروت، چاپ اول، ١٤٠٩ق؛ ٤. الامامه و السياسه، ابن قتيبه، ج ١، ص ٣٠، بيروت، دار الاضواء، چاپ اول، ١٤١٠ق؛ ٥. انساب الاشراف، بلاذرى، ج ٢، ص ٧٧٠، نشر دارالفكر، بيروت؛ ٦. تاريخ طبرى، ج ٣، صص ١٩٨ و ٢٠٢، انتشارات اعلمى، بيروت؛ ٧. الوافى بلاوفيات، الصفدى، ج ١٧، ص ٢١١، بيروت؛ ٨. كنز العمال، هندی، ج ٥، ص ٦٥١، حلب، ١٣٩٢ق.)

عمر هیزم خواست و گفت: قسم به آنکه جان عمر در دست اوست یا خارج می شوید و یا خانه را با اهلش به آتش می کشم. به او گفته شد: ای پدر حفصه فاطمه در این خانه است. پاسخ داد: اگر چه فاطمه هم باشد!

۲. هجوم به خانه فاطمه سلام الله علیها

دستور ابوبکر به عمر برای بیعت گرفتن از علی علیه السلام تبدیل به هجومی دسته جمعی شد که تاریخ مجبور به ثبت آن گشته است.

- و بلغ ابابکر و عمر آن جماعه من المهاجرین و الانصار فقد اجتمعوا مع علی بن ابیطالب فی منزل فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فاتوا فی جماعه حتی هجموا الدار (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱، چاپ بیروت، موسسه اعلمی، ۱۴۱۳ق؛ السقیفه و الفدک، ابوبکر جوهری، ص ۷۲)

به ابابکر و عمر خبر رسید که عده ای از مهاجرین و انصار همراه علی بن ابیطالب در خانه فاطمه جمع شده اند پس همراه عده ای آمدند و به خانه هجوم آوردند. ابن ابی الحدید سنی در تصدیق واقعه هجوم به خانه حضرت زهرا چنین می گوید:

- و اما حدیث الهجوم علی بیت فاطمه علیها السلام فقد تقدم الکلام فیه و الظاهر عندی صحه ما یرویه المرتضی و الشیعه (شرح نهج البلاغه - ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۱۶۸)

اما در مورد ماجرای هجوم آوردن به خانه فاطمه سلام الله علیها پیش تر سخن گفته شد و آنچه برای من روشن است صحیح بودن روایات سید مرتضی و شیعیان است. چگونه است که در قرآن دستور می دهد:

- یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستانسا و تسلموا علی اهلها (سوره توبه، آیه ۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید داخل خانه کسی غیر از خودتان نشوید تا این که بر اهلیش سلام دهید. و همچنین:

• **یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوت النبى الا ان یؤذن لکم** (سوره احزاب، آیه ۵۳)

ای کسانی که ایمان دارید داخل خانه پیامبر نشوید مگر اینکه به شما اذن داده شود. مگر خانه زهرا - طبق روایات خود اهل سنت مصداق اتم آیه ۳۶ سوره نور نیست؟ در مورد این آیه روایتی از اهل سنت بخوانید:

• **فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو و الاصال . عن انس بن مالک و بریده قال: قرا رسول الله هذه الایه «فی بیوت اذن الله...» فقام الیه رجل فقال: ای بیوت هذه یا رسول الله؟ قال: بیوت الانبیاء فقام الیه ابوبکر فقال: یا رسول الله هذا البیت منها؟**

و اشار الی بیت علی و فاطمه قال نعم من افضلها (منابع: الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، ج ۶ ص ۵۰، چاپ مکتبه آیت... مرعشی نجفی، قم ۱۴۰۴ق؛ روح المعانی، ج ۱۸، ص ۱۷۴؛ در فضائل خانه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها به مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۵۲، انتشارات دارالفکر)

پیامبر این آیه را قرائت کردند مردی ایستاد و گفت: ای رسول خدا کدام خانه ها منظور است! حضرت فرمودند: خانه انبیاء ابوبکر ایستاد و گفت: ای رسول خدا این خانه هم در زمره آنهاست؟ و اشاره به خانه علی و فاطمه کرد حضرت فرمودند: بله از بهترین آنهاست. پس چگونه است که به بهترین خانه عالم چنین جسارت می شود؟ و شاید در اواخر حیات ابابکر همین احادیث به یادش آمد که چنین آرزو کرد:

• **قال ابوبکر (فی مرضه الذی قبض فیہ: وددت انی لم اکشف بیت فاطمه)** (منابع: تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۳۰ لسقیفه و الخلافه عبدالفتاح عبدالمقصود، ط قاهره، ص ۱۴۰؛ معجم کبیر الطبرانی، ج ۱، ص ۶۲، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی؛ السقیفه و الخلافه عبدالفتاح عبدالمقصود، قاهره، ص ۱۴۰؛ الاموال، ابو عبید، ص ۱۷۴، دارالفکر، ۱۴۰۸ق؛ الامامه و السیاسه، ابن قتیبه، ج ۱، صص ۱۸ و ۳۰، کیف کان بیعه علی بن ابی طالب، مصر، چاپ سوم، ۱۳۸۲ق؛ تاریخ طبری)

آرزو داشتیم که خانه فاطمه را نمی گشودم و با این آرزو به گناه خود اعتراف کرد ولی باز هم تصمیم به توبه نگرفت!

۳. در خانه حضرت زهرا سلام الله علیها را آتش زدند.

اما باور نکنید که فقط به تهدید اکتفا کردند. باور نکنید که به حمله ور شدن اکتفا کردند... آتش آوردند ... آری آتش آوردند و خانه را آتش زدند ... خانه ای که زهرا و بچه هایش در آن بودند...

- فروی ان العباس رضی الله عنه صار الی امیرالمؤمنین و قد قبض رسول الله فقال: امدد یدک ابایعک ... فاقام امیرالمؤمنین و من معه من شیعتہ فی منزله بما عهد الیه رسول الله فرجھوا الی منزله، فھجموا علیہ و احرقوا بابہ و استخرجوہ منہ کرھا (اثبات الوصیہ مسعودی شافعیف ص ۱۴۲)

روایت شده است که عباس در زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فوت شده بودند به سوی امیرالمؤمنین رفت و گفت دستت را دراز کن تا با تو بیعت کنم!

امیرالمؤمنین ایستاد و به همراه شیعیانش به منزلش رفت به خاطر عهدهی که رسول خدا با او کرده بود ... بر او هجوم آوردند. در خانه اش را آتش زدند و او را به زور از خانه خارج کردند!

- ان ابابکر بعد ما اخذ البیعہ النفسہ من الناس بالارھاب و السیف و القوہ ارسل عمل و قنفذا و جماعہ الی در علی و فاطمہ و جمع عمر الحطب علی دار فاطمہ و احرق باب الدار. (منابع: الامامہ والخلافہ، مقاتل بن عطیہ، صص ۱۶۰ و ۱۶۱، چاپ بیروت: این کتاب به عنوان موتمر علمای بغداد به چاپ رسیده است.)

پس از آنکه ابوبکر با زور و تهدید برای خودش از مردم بیعت گرفت، عمر و قنفذ و جماعتی را به منزل علی و فاطمه فرستاد. عمر نزد در خانه فاطمه هیزم هایی گرد آورد و در را سوزاند.

دستور این جنایت را عمر صادر کرده بود:

- و عمر کان یصبح: احرقوا دارها بمن فیها و ما کان فی الدار غیر علی و فاطمه و الحسن و الحسین. (منابع: الملل و النحل، شهرستانی، چاپ دار المعرفه، بیروت، ۱۴۰۲ ق، ج ۱، ص ۵۶.)

عمر فریاد می زد: خانه را با تمام کسانی که در آن هستند آتش زنید! در حالی که غیر علی و فاطمه و حسن و حسین کسی در خانه نبود.

و در بعضی روایات اهل سنت به جزئیات ماجرا پرداخته شده است که میگوید عمر با فتیله ی آتش بر در خانه ی حضرت زهرا حاضر شد و نشان می دهد عمر با نقشه قبلی و به قصد آتش زدن خانه آمده بود و ببینید که دلیلش برای چنین جنایتی چقدر موجه است!

- ان ابابکر ارسل الی علی (علیه السلام) یرید البیعه فلم یبایع. فجاء عمر و معه فتیله، فقتله فاطمه علی الباب فقالت فاطمه (سلام الله علیها): یا ابن الخطاب اتراک محرقا علی بابی؟ قال نعم و ذلک اقوی فیما جاء ابوک. (الانساب الاشراف بلاذری، دارالمعارف، مصر، ۱، ص ۵۸۶.)

ابوبکر برای بیعت به سراغ علی (علیه السلام) فرستاد ولی علی بیعت نکرد. پس عمر به همراه پاره ای آتش آمد که فاطمه او را نزد در دید و به او گفت ای پسر خطاب! آیا تو را در حال آتش زدن خانه ام میبینم؟ گفت: آری این بهترین کار برای تقویت دین پدرت است!

وبخوانید جواب توجیه عمر را از زبان یکی از علمای بزرگ اهل سنت: نقیب ابوجعفر در رد سخنان جوینی می گوید اگر بگویید ورود به خانه ی فاطمه و هتک حرمت آن، فقط به جهت نظام اسلامی و ... بود، در جوابتان می گویند این سخن درباره عایشه نیز صادق است... چون اگر شکستن حرمت و ورود به خانه ی فاطمه به سبب کاری که اتفاق نیفتاد، جایز باشد، پس شکستن حرمت عایشه نیز به جهت کاری که روی داد و محقق شد به طریق اولی جایز است! پس چگونه است که هتک عایشه از گناهان کبیره گشته، فاعل آن مخلد در آتش و تبرّی از عامل آن از موکدترین پایه های ایمان شمرده می شود، اما گشودن خانه فاطمه و وارد شدن به منزل او و جمع هیزم بر در خانه و تهدید فاطمه به آتش زدن آن از موکدترین پایه های ایمان گردد؟! (منابع: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، صص

۴. جسارت به حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و ضربه زدن به ایشان

ای کاش فقط تهدید می کردند و ای کاش فقط آتش می زدند، ای کاش بیش از جسارت نمی کردند ولی...

- **قال النظام: ان عمر ضرب بطن فاطمه يوم البيعه حتى القت الجنين من بطنها؛ (منبع:**

الملل و النحل، شهرستانی اشعری، ج ۱، ص ۵۷، انتشارات دار المعرفه، بیروت، ۱۴۰۲ق)

عمر ضربه ای به شکم فاطمه زد که جنین از شکمش افتاد و سقط شد. چه باید گفت؟ چه می توان گفت؟ تعابیری دیگر نیز در کتب اهل سنت موجود است:

- **ان عمر رفس فاطمه حتى اسقطت بمحسن (منبع: لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج**

۱، ص ۲۶۸، رقم ۸۲۴) به راستی عمر لگدی بر سینه فاطمه زد که محسن سقط شد.

و این جنایت فقط از عمر صادر نشد که دیگران نیز به دنبال او جرأت جسارت یافتند:

- **واغسن سقط وفي معارف القتيبي: ان محسنا فسد من زخم القنفذ العدوي (المعارف،**

ابومحمد عبدالله قتيبه الدينوري، به نقل از مناقب، ابو جعفر رشيد الدين بن شهر آشوب السروي

المازندراني، ج ۳، ص ۲۵۸؛ الفرق بين الفرق، ابومنصور بن طاهر بغدادی الاسراين، صص ۱۴۷ و ۱۴۸،

و در بعضی نسخ ص ۱۰۷؛ الوافي بالوفيات، الصفدي، ج ۶، ص ۱۱۷، رقم ۲۴۴۴، چاپ بیروت، تحت

عنوان حرف الف، ابراهيم بن سيار)

محسن سقط شد و در معارف قتيبي آمده است که محسن به خاطر زخمی که قنفذ وارد کرد از بین رفت، و مگر فاطمه دختر پیامبر نبود و مگر فاطمه ام ابیها نبود و مگر فاطمه ۱۸ سال بیشتر داشت؟!

۵. محسن به دنیا نیامده به قتل رسید.

در فصل گذشته به ضربه هایی که بر فاطمه وارد شد اشاره کردیم و در تمام آن به قتل محسن نیز اشاره شده است، ثبت این واقعه هولناک و این قتل ناجوانمردانه لکه ننگی همیشگی است که بر دامن

تاریخ بشر باقی ماند. روایات گذشته همه به ضربه هایی که بر پیکر زهراى اطهر سلام الله عليها وارد شد و موجب قتل محسن گردید اشاره کرده اند ولی در مقاتل ابن عطیه که از علمای بزرگ اهل تسنن است تعبیری دارد که قلب هر مرد و زن پاک نیت و پاک سرشت را جریحه دار می نماید:

• عصر عمر فاطمه خلف الباب حتی اسقطت جنینها (الامامه و الخلافه مقاتل ابن عطیه،

ص ۱۶۰)

عمر فاطمه را در پشت در آن قدر فشار داد تا جنینش سقط شد.

و چه خوب گفته است ابو جعفر النقیب سنی که: چون پیامبر خون «هبّار بن امود» را مباح کرد به سبب این که او زینب را ترساند و بچه اش سقط شد، پس اگر او زنده بود خون قاتل محسن را هم مباح می کرد. (منابع: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۱۹۳؛ الملل و النحل، شهرستانی، بیروت، ج ۱، ص ۵۷؛ ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، طبری، چاپ قاهره، ص ۵۵؛ الفرق بین الفرق، ص ۱۰۷؛ لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ص ۲۶۷؛ الوافی بالوفیات، الصفدی، ج ۶، ص ۱۷؛ الفراند السمطین، ابن محمد جوینی، ج ۲، ص ۳۵.)

۶. آیا حضرت زهرا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند، یا بر اثر جنایتی که بر ایشان روا شد شهید شدند؟

روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب های اهل سنت آمده است که در آن به «مقتوله بودن» حضرت زهرا سلام الله عليها تصریح شده است و چون در این روایت به همه ظلم هایی که در حق حضرت زهرا سلام الله عليها روا شد اشاره کرده اند آن را به صورت کامل برای شما می آوریم:

• عن ابن عباس، قال: ان رسول الله صلی الله علیه و آله کان جالسا ذات یوم، اذ اقبل الحسن فلما رآه بکی ... ثم اقبلت فاطمه علیها السلام فلما رآها بکی ثم قال: الی الی با بنیه فاطمه فاجلسها بین یدیه فقال: و اما ابنتی فاطمه فانها سیده نساء العالمین من الاولین و الآخرین و انی لما رأيتها ذکرک ما یصنع بما بعدی کانی بها و قد دخل

الدل بیتها و ائتهکت حرمتها و غضب حقها و منعت ارثها و کسر جنبها و اسقطت جنینها و هی تنادی یا محمدا! فلا تجاب و تستغیث فلا تغاث ... فتکون اول من یلحقی من اهل بیتی فتقدم علی محزونه مکروبه مغمومه مغصوبه مقتوله، یقول رسول الله صلی الله علیه و آله عند ذلک: اللهم العن من ظلمها و عاقب من غضبها و ذل من اذلها و خلد فی نارک من ضرب جنبها حتی القت ولدها فتقول الملائکه عند ذلک آمین (فراند السمطین، ابن محمد جوینی، ج ۲، صص ۴۶-۲۶)

ترجمه:

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزی نشسته بودند که حسن علیه السلام وارد شد هنگامی که پیامبر او را دید گریست ... سپس فاطمه سلام الله علیها وارد شد پیامبر با دیدن او نیز گریست آنگاه فرمود: دخترم فاطمه نزد من آی، نزد من آی، او را نزد خود نشانند سپس فرمود: دخترم فاطمه سرور زنان جهان هستی است، از آغاز تا فرجام چون او را می بینم به خاطر می آورم آن چه را که پس از من بر او روا می دارند. گویا او را می بینم که ذلت و خواری به خانه اش راه یافته، حرمتش شکسته شده، حقش غضب شده، از ارش منع شده، پهلویش شکسته، جنین او سقط می گردد و او ندا می دهد: وا محمدا! اما جوابی نمی شنوند، دادرسی می طلبد، کسی به فریادش نمی رسد.... از اهل بیتم او نخستین کسی است که به من می پیوندد، نزد من می آید در حالی که محزون، ناراحت، غم دیده و حقش غضب شده و شهید (کشته شده) است. در آن هنگام رسول خدا فرمودند: خدایا! هر که را به او ظلم کرده لعنت کن و هر که حق او را غضب کرده عذاب کن، هر که به او اهانت کرده خوار ساز و آنکه به پهلویش چنان زده که فرزندش افکنده شود در آتش جاودان کن، ملائکه هم می گویند: آمین. همچنین در بعضی روایات اهل سنت به علت مرگ حضرت زهرا سلام الله علیها تصریح شده است:

۷. گناهی که بخشوده نشد.

ان الذین یؤذون الله و رسول لعنهم الله فی الدنيا و الاخره و اعد لهم عذابا مهینا (احزاب / ۵۷)
در روایات متعددی آمده است که در این ماجرا حضرت زهرا سلام الله علیها بر ظالمین حق خود، غضب کردند:

- روی احمد بن حنبل: ان فاطمه بنت رسول الله سالت ابابکر رضی الله عنه بعد وفاه رسول الله ان یقسم لها میراثها مما ترک رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مما افاء الله علیه فقال ابوبکر رضی الله عنه ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال لا نورث ما ترکنا صدقه فعضیت فاطمه سلام الله علیها فهجرت ابابکر فلم نزل مهاجرته حتی توقیت (صحیح بخاری، جزء ۶۰۵، باب ۱۵۵، حدیث ۷۰۷)

فاطمه دختر پیامبر از ابابکر خواست که ارتش را که خداوند به پیامبر داده بود در اختیار او قرار دهد ولی ابوبکر گفت که پیامبر گفته ما را ارثی نیست و آنچه از ما می ماند صدقه است و جزء بیت المال! لذا فاطمه غضب کرد و ابابکر را ترک گفت و این تا زمان وفات فاطمه ادامه داشت.

و در روایات دیگری از اهل سنت، تصریح و تشدید این غضب آمده که بسیار خواندنی است:

- فقال عمر لابی بکر رضی الله عنها: انطلق بنا الی فاطمه فانها قد اغضبناها فانطلقا جميعاً، فاستاذنا علی فاطمه فلم تأذن لهما فاتیا علیا فکلماه، فادخلها علیها، فلما قعدا عندها، حولت وجهها الی الحائط فسلما علیها فلم ترد علیهما السلام فتکلم ابوبکر فقال: یا حبیبه رسول الله اغضبناک فی میراثک منه و فی زوجتک؟
فقلت: ارایتکما ان حدثتکما حدیثا عن رسول الله تعرفانه و تفعلان به؟
قالا: نعم!
فقلت: نشدتکما الله الم تسمعها رسول الله یقول: رضا فاطمه من رضای و سخط فاطمه من سخطی فمن احب فاطمه ابنتی فقد احببنی و من ارضی فاطمه ارضانی و من اسخط فاطمه فقد اسخطنی؟
قالا: نعم!

سمعنا من رسول الله قالت: فانی اشهد الله و ملائکته! انکما استخطتمانی و ما ارضیتمانی و لنن لقیة النبی لاشکونکما الیه (منابع: الامامه و السیاسة، ابن قتیبہ، ج ۱، صص ۱۲ و ۱۴؛ صحیح بخاری، جزء ۶۰۵، باب ۱۵۵، حدیث ۷۰۴؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک و قایه، سنه ۱۱ ق، چاپ بیروت، ج ۲، ص ۴۴۸؛ الطحاوی کتاب مشکل الآثار، چاپ حیدرآباد، ج ۱،

صص ۴۸ و ۴۷؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۶، ص ۳۰۰؛ ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، چلپ بیروت، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۶؛ مسند احمد بن حنبل، بیروت، ج ۱، صص ۹ و ۱۰؛ ابن الاثیر در جامع الاصول الاحادیث الرسول، حرف خ، ج ۴، ص ۴۸۲، حدیث ۲۰۹۷، چاپ بیروت؛ الذهبی در تاریخ الاسلام، چلپ بیروت، ۱۴۱۳ق، ص ۲۱)

عمر به ابابکر گفت: با ما پیش فاطمه بیا که ما او را غضبناک کردیم.

هر دو با هم رفتند و از فاطمه اجازه ورود خواستند.

فاطمه اجازه به این دو نداد پس به سوی علی رفتند و با علی صحبت کردند.

سپس بر فاطمه وارد شدند چون نزد فاطمه نشستند فاطم رویش را برگرداند و به دیوار رو کرد.

سلام کردند فاطمه جواب سلام نداد.

ابوبکر لب به سخن گشود: ای حبیبه رسول خدا! آیا ما تو را غضبناک کردیم به خاطر میراثت و به

خاطر شوهرت...؟

فاطمه گفت: اگر حدیثی برایتان از رسول خدا بگویم آن را می شناسید و به آن عمل می کنید؟

گفتند: آری!

فاطمه گفت: شما را به خدا قسم می دهم آیا از رسول خدا شنیده اید که فرمود:

رضای فاطمه، رضای من است و ناخشنودی فاطمه، ناخشنودی من، کسی که محب او باشد محب من

است و سکی که او را راضی کند مرا راضی کرده و کسی که موجبات ناراضیتی فاطمه را فراهم کند

مرا ناراضی کرده است؟

گفتند: آری از پیامبر این حدیث را شنیده ایم.

فاطمه گفت: خدا و ملائکه خدا را شاهد می گیرم که شما مرا ناراضی کردید و راضیم نکردید و اگر

پیامبر را ملاقات کنم شکایت شما دو نفر را به او خواهم کرد.

حال باید دانست کسانی که مورد غضب حضرت زهرا واقع می شوند چه عواقبی در انتظار آنهاست؟

اولاً غضب حضرت زهرا سلام الله علیها، غضب رسول خدا را به دنبال دارد.

در صحیح بخاری که از کتب مهم و مورد اعتماد اهل سنت است آمده است:

• قال رسول الله: فاطمه بضعه منی فمن اغضبها اغضبنی (صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۳۶)

پس چون اینان باعث اذیت خدا و رسول خدا شده اند، طبق آیه ۵۷ سوره احزاب مورد لعنن خدا واقع می شوند و عذاب خوار کننده ای برایشان مهیا گشته است. آیه چنین می گوید:

• **ان الذین یؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنیا و الآخرة و اعد لهم عذابا مهینا**

به راستی کسانی که خدا و رسول او را اذیت می کنند خداوند ایشان را در دنیا و آخرت لعنت می کند و برایشان عذابی خفت آور مهیا کرده است.

غضب حضرت زهرا چنان که در روایات همین فصل تصریح شده است تا پایان وفات ایشان ادامه داشت و به همین دلیل هم کسی از ظالمین در حق زهرا سلام الله علیها مجال شرکت در مراسم کفن و دفن و نماز ایشان را نیافت. و هنوز که هنوز است قبر حضرت زهرا پس از قرن ها مجهول و ناشناخته است و این سؤال برای همیشه باقی می ماند:

قبر دختر عزیز پیامبر خانم کجاست؟ و چرا خلفای رسول خدا از مراسم تکفین و تدفین او و از قبر او بی اطلاع بودند؟

و در آخر در هیچ روایتی از اهل سنت و شیعه نیامده است که ظالمین به حضرت فاطمه، توبه کرده باشند از خلیفه دوم که هیچ خبری در دست نیست که توبه کرده و یا پشیمان باشد. فقط از ابوبکر جمله ای رسیده است که گفته است: «دوست می داشتم خانه زهرا را نمی گوشدم» لیکن در این جمله نه اظهار پشیمانی است و نه اظهار توبه، تازه معلوم نیست که این آرزو برای چه هدفی بیان شده است و به علاوه، او برای بقیه جنایاتی که انجام شد اظهار تأسف نمی کند. نه برای شهادت حضرت زهرا، نه برای آتش زدن نه برای بی ادبی و جسارت به حضرتش، نه برای شهادت محسن نه برای غصب خلافت و نه برای غصب فدک، باری این گناه لکه ننگی ابدی و همیشگی در نامه عمل ظالمین شد...

